



یعنی در هر شرایطی باشیم می‌توانیم پیشرفت کنیم. همان‌طور که در خاطره‌ای از شهید طهرانی مقدم آمده که به نیروهایش می‌گوید: «نصرت الهی این نیست که تو کاری انجام ندهی و به نتیجه برسی، بلکه نصرت الهی این است که اگر یک آدمی در یک کشور غیراسلامی بخواهد کاری انجام دهد، باید ۱۰ بار آزمایش کند تا به نتیجه برسد، ولی شخص دیگر با عقاید الهی با دو یا سه بار آزمایش کردن به نتیجه می‌رسد. نصرت الهی این‌گونه خودش را نشان می‌دهد».

همچنین در قسمت صنایع هسته‌ای در نقل قولی از غلام-رضا آقازاده می‌خوانیم: همراه البرادعی دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آمده بود نطنز برای بازدید؛ پیرمردی که ادوار دو نام داشت و متخصص سانتریفیوژ بود.

نمایشگاهی داشتیم که قطعات سانتریفیوژ را باروش‌های ساختش درایران نمایش می‌داد. ادواردو با تعجب نگاه می‌کرد. پر بود از پرسش و مدام سؤال می‌پرسید. بین قطعه‌ها به اسکوپ که رسیده، هاج و واج ماند.

اسکوپ قطعه حساسی بود و ساخته شدنش در ایران برای ادواردو تصور شدنی نبود. پرسید: «این را چطور ساخته اید؟» جوان‌های بیست و چند ساله ما پاسخ ادواردو را می‌دادند.

پیرمرد دفترچه را در آورده بود و نشان بچه‌ها می‌داد. الگوی اسکوپ را ادواردو در اروپا کشیده بود و به نتیجه رسانده بود. رسیدن به محاسبات و فرمول‌های ساخت اسکوپ در ایران برایش شگفت‌آور بود. روز بعد البرادعی تهران بود برای بازدید با مسئولان. البرادعی گفته بود: «آنچه مادر نطنز دیدیم، مرحله‌ای از دانش است که بیشتر از هفت هشت کشور دنیا ندارند.» میلاد حبیبی از محققین این کتاب در مصاحبه‌ای با خبرگزاری تسنیم می‌گوید:

”

در خاطره‌ای از شهید طهرانی مقدم آمده که به نیروهایش می‌گوید: «نصرت الهی این نیست که تو کاری انجام ندهی و به نتیجه برسی، بلکه نصرت الهی این است که اگر یک آدمی در یک کشور غیراسلامی بخواهد کاری انجام دهد، باید ده بار آزمایش کند تا به نتیجه برسد

گلوله آرپی‌جی دم‌دستی کم‌اهمیت را به ما نمی‌فروختند اصلاً کسی باور می‌کند؟ نتیجه این شد که به فضل پروردگار و به حول و قوه الهی، جوانان مؤمن این مملکت، به گوشه انبارها و کارگاه‌ها رفتند و مشغول کار شدند. ما امروز برخی از پیچیده‌ترین ابزارهای جنگی را که به عقل دشمن هم خطور نخواهد کرد خودمان در داخل تهیه می‌کنیم.» یا در بخش نظامی و صنایع هوایی خاطره‌ای از شهید دکتر مصطفی چمران آورده شده که می‌گوید: «برای سرکشی آمده بودند پنها (شرکت پشتیبانی و نوسازی بالگردهای ایران)، زمان بازدید هلی‌کوپترها قطعه‌ای را نشان دادند که به خاطر تحریم‌ها نایاب بود و ایجاد مشکل کرده بود. دکتر قطعه را خوب زیرورو کرد و بعد شروع کرد به نوشتن راهکارهایی برای ساخت آن قطعه. گفت: «اگر نمی‌شود قطعه را وارد کرد، خودتان بسازید». از همان زمان مرکز تحقیقات علمی نظامی، صنایع دفاع در وزارت دفاع باهدف ساخت تجهیزات نظامی صنایع دفاع، مثل راکت و موشک و... به وجود آمد.» این کتاب می‌تواند یک نمایش یا در واقع یک سر سوزنی باشد از آنچه که در کل کشور اتفاق افتاده و در واقع کتابی است که حس ایرانی بودن و بالیدن در مخاطب ایجاد می‌کند و ارزشش به اندازه بارقه‌های امید است که در ذهن هر خواننده شکل می‌گیرد.

مهم‌ترین نکته همین باور مفهوم «ما می‌توانیم» است؛

